

مدل و روش بررسی تأثیر توسعه اجتماعی بر رشد و تحقق اقتصاد مقاومتی

مجید کافی / استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

mkafi@rihu.ac.ir

سیده مرضیه شعاع هاشمی خمایی / دانشجوی دکتری مطالعات زنان و خانواده، دانشگاه ادیان و مذاهب

mhashemi@rihu.ac.ir

شهلا گنجی / کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران

shahlaganji6@gmail.com

دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۲۸ - پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۰۳

چکیده

رابطه توسعه اجتماعی و اقتصاد مقاومتی، موضوعی دوسویه است. اما در یک ساده‌سازی برای بررسی بهتر این رابطه فرض بر این گذاشته شده است که توسعه اجتماعی بر پایه مبانی اسلامی، مسیر تحقق اقتصاد مقاومتی است. بر اساس این فرض، این مقاله به دنبال الگاریتم، مدل و روش بررسی مسیره‌های این تأثیرگذاری است. از این رو، پس از بررسی ادبیات نظری تحقیق، به مؤلفه‌های مدل پرداخته شده و با تجمیع آنها، مدل بررسی به دست آمده است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که، مدل به دست آمده دارای چهار متغیر ورودی، یک متغیر خروجی و سه لایه پنهان است. در لایه پنهان اول، ده گره، در لایه پنهان دوم، شش گره و در لایه پنهان سوم، دو گره وجود دارد. از آنجا که مدل با شش ورودی به دست آمده است. روش بررسی آن روش شبکه عصبی مصنوعی شناخته شد که هم قدرت بررسی همزمان ورودی‌های متعدد را دارد، و هم قدرت پیش‌بینی احتمالات دیگر که در تحقیق دیگر باید به آن پرداخته شود را دارا می‌باشد.

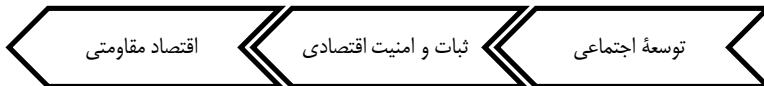
کلیدواژه‌ها: توسعه اجتماعی، اقتصاد مقاومتی، رشد اقتصادی، شبکه عصبی مصنوعی، شاخص‌های توسعه اجتماعی.

طبقه‌بندی JEL: P4, B49, O15.

از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی ایران، نظام سلطه برای وادار کردن جمهوری اسلامی ایران به تسلیم در برابر استکبار جهانی، تحریم‌های اقتصادی فراوانی را بر این کشور تحمیل کرده است. اندکی پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به دنبال تسخیر لانه جاسوسی، آمریکا قانون تحریم نظام جمهوری اسلامی ایران را به اجرا گذاشت. در طول چهل سال گذشته نیز به‌طور مرتب بر حجم این تحریم‌ها افزوده است. این تحریم‌ها، در طول سالیان اخیر به بهانه مقابله با برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای تشدید شد. در این راستا، افزون بر تحریم صادرات نفت، بسیاری از اشخاص، شرکت‌ها، بانک‌ها، حتی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران هدف شدیدترین تحریم‌ها قرار گرفتند.

در مقابل این هجمه تحریم‌ها و برای جلوگیری از تأثیر فشارهای گسترده اقتصادی کشورهای غربی، رهبری فرزانه انقلاب، اقتصاد مقاومتی را به عنوان «الگوی اقتصادی بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی» معرفی کردند. بر اساس سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی، پیروی از این الگو، نه تنها موجب فائق آمدن بر مشکلات اقتصادی و شکست دشمن در جنگ اقتصادی تحمیلی می‌شود، بلکه موجب دستیابی جمهوری اسلامی ایران به اهداف سند چشم‌انداز بیست ساله کشور، در بخش اقتصاد و رشد اقتصادی نیز می‌گردد. تبعیت از این الگو، تنها منحصر به مقابله با تحریم نیست، بلکه ناشی از این است که اقتصاد جهانی، همواره با مخاطرات و نااطمینانی‌های ناشی از تحولات خارج از اختیار، مانند بحران‌های مالی، اقتصادی و سیاسی روبه‌رو است. در نتیجه مصون سازی اقتصاد کشور از تکان‌های آن ضروری است.

اما از سوی دیگر، میتوان به رابطه مقاومت در مقابل فشارهای اقتصادی و توسعه اجتماعی نگریست. در قرن بیستم نظریه‌های گوناگونی درباره توسعه و شرایط و لوازم دستیابی به آن، از سوی جامعه‌شناسان ارائه شده است. اما تنها در اواخر قرن بیستم بود که اقتصاددان‌ها و جامعه‌شناسان، دست به دست هم دادند تا نظریه‌ای کارآمد برای رشد اقتصادی فراهم آورند و یک صدا بگویند که رشد اقتصادی، بدون امنیت و ثبات اقتصادی و امنیت اقتصادی، بدون توسعه اجتماعی سرایی بیش نیست. می‌توان بر اساس این تصور و با یک تحول مفهومی و هماهنگ سازی توسعه اجتماعی با مبانی و هنجارهای اسلامی ادعا کرد که توسعه اجتماعی، با سازوکار ثبات و امنیت اقتصادی، زمینه‌ساز اقتصاد مقاومتی است. اقتصادی مقاومتی بدون توسعه اجتماعی آرزویی بیش نیست.



همان‌طور که گفته شد، توسعه اجتماعی مستتبط از کتاب و سنت راه‌حل مسئله‌ناامنی و عدم ثبات اقتصادی و تحقق اقتصاد مقاومتی، ایده‌مقام رهبری برای مقابله با ناامنی اقتصادی در ایران است. اما این مقاله، درصدد است در یک مدل اجتماعی - اقتصادی، این دو راه‌حل را به هم پیوند زند و این پرسش‌ها را طرح کند که ارتباط توسعه اجتماعی با اقتصاد مقاومتی چیست؟ نحوه کنش و واکنش این دو، نسبت به یکدیگر چگونه است؟ آیا توسعه اجتماعی منجر به اقتصاد مقاومتی در ایران می‌شود؟ به‌طور خلاصه، میتوان این فرضیه را طرح کرد که یکی از پیامدهای توسعه اجتماعی، اقتصاد مقاومتی است. توسعه اجتماعی، زمینه‌ساز و مسیر تحقق اقتصاد مقاومتی است.

مفاهیم

اقتصاد مقاومتی

در مورد اقتصاد مقاومتی تعبیرهای مختلفی رایج شده است. ممکن است منظور از آن «فزیت اقتصادی» باشد که اشاره به توانایی یک اقتصاد برای بهبود (یا انطباق با) آثار شوک‌های برون‌زای مخالف دارد. فزیت اقتصادی، به توانایی اقتصاد برای بهبود سریع از شوک‌های اقتصادی تخریب‌کننده خارجی و ایستادگی در برابر آثار این شوک‌ها گفته می‌شود. این اصطلاح را اولین بار بریگاکلیو در سال ۲۰۰۶، برای اشاره به توان سیاست‌ساخته یک اقتصاد برای بهبود (یا انطباق با) آثار شوک‌های برون‌زای مخالف استفاده کرده است که نزدیک‌ترین مفهوم به اقتصاد مقاومتی در ادبیات رایج کشور ما است (سیف، ۱۳۹۱). در این مفهوم، دو موضوع توانایی برای بهبود سریع شوک‌های تخریب‌کننده و توانایی ایستادگی در برابر آثار مخرب، مورد بحث قرار می‌گیرد. مفهوم «اقتصاد مقاومتی»، با مقاومت اقتصادی متفاوت است و خاستگاه اقتصاد مقاومتی صرفاً تحریم‌های اقتصادی دشمن نیست، بلکه سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور نیز هست.

مقاومت در اقتصاد مقاومتی، عمل یا عکس‌العمل مناسب برای مقابله در شرایط بروز نامالیامات، حوادث، بحران‌ها یا تحمل سختی‌ها و استقامت در مسیر رسیدن به اهداف است. از این‌رو، اقتصاد مقاومتی اقتصادی است که در شرایط بروز نامالیامات، حوادث، بحران‌ها یا در مسیر اهداف، پویا و پایدار تخصیص بهینه منابع بدهد (ر.ک: میرمعزی، ۱۳۹۱).

توسعه اجتماعی

توسعه اجتماعی از دیدگاه‌های مختلفی تعریف شده است: گذر از جامعه سنتی به صنعتی، یا مدرن از طریق تقسیم کار، سرمایه اجتماعی، هویت انسانی، عقلانیت ارتباطی، اعتماد، انسان بودن و غیره. بنابراین، توسعه اجتماعی در ذهن جامعه‌شناسان، مفهومی پیچیده، مبهم و در عین حال با مفهوم مورد نظر ما متفاوت است. بنا بر تعریفی «توسعه اجتماعی یکی از ابعاد اصلی فرایند پیشرفت و بیانگر کیفیت نظام اجتماعی در راستای دستیابی به عدالت اجتماعی، ایجاد یکپارچگی و انسجام اجتماعی، افزایش کیفیت زندگی و ارتقای کیفیت انسان‌ها است. توسعه اجتماعی باید جدای از توسعه اقتصادی تعریف شود (کلانتری، ۱۳۷۷). مهم‌ترین موضوع تأثیر اقتصاد بر توسعه تأثیر بر توسعه اجتماعی است که در عمل، به معنای مقابله با فقر و نابرابری است که باید با سیاست‌گذاری‌های اقتصادی تأمین شود.

جدول ۱: ابعاد و مولفه‌های توسعه اجتماعی

ابعاد توسعه اجتماعی	مولفه‌ها
عدالت	تعدیل شکاف مناطق محروم و برخوردار - تعدیل شکاف فقیر و غنی - توزیع مناسب منابع - توزیع مناسب ثروت در جامعه
عدالت اجتماعی	دستیابی جامعه به اطلاعات - دسترسی به خدمات بهداشتی - سلامت - دسترسی به امکانات آموزشی
سرمایه اجتماعی	تعمیق ایمان و تقوی - ارتقای سطح اخلاق اسلامی - همبستگی و انسجام ملی - مشارکت اجتماعی - اعتماد اجتماعی - جمعیت
رفاه اجتماعی	احساس وجود خدا و پشتوانه معنوی - حمایت اجتماعی - دسترسی به خدمات زیربنایی - خدمات سلامت و بهداشت و درمان - سیاست‌های جمعیتی - اشتغال - مسکن - سلامت و ثبات خانواده - وضعیت سالمندان - وضعیت جوانان - تأمین اجتماعی - آموزش فنی و حرفه‌ای - آموزش و پرورش - باسواد جمعیت عمومی - آموزش عالی - برخورداری از امکانات اوقات فراغت - تغذیه
پایداری	بهره‌برداری بهینه از منابع - آمایش سرزمین - حفاظت از محیط زیست
اخلاق توسعه اجتماعی	ارتقای کار و بهره‌وری - شهروندی - علم‌گستری - نظم اجتماعی
امنیت اجتماعی	امنیت فردی - امنیت عمومی - امنیت قضایی - امنیت اقتصادی - پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی

ادبیات اقتصاد مقاومتی

شکل گیری پیشینه «اقتصاد تاب‌آوری» یا «اقتصاد مقاومتی»، در اقتصاد متعارف را می‌توان پیامد توجه اقتصاددانان به اهمیت امنیت و ثبات اقتصادی، در کنار عدالت اقتصادی دانست. توجه به امنیت اقتصادی، تنها محدود به مباحث متعارف ثبات اقتصادی (Economic Stability) در اقتصاد کلان نیست، بلکه حاوی نگاه‌های جدید به آسیب‌پذیری نظام‌های اقتصادی و اهمیت پایداری نظام‌های اقتصادی، در مقابل شوک‌های اقتصادی پیش‌رو نیز هست.

نکته مهم در تحلیل امنیت و ثبات اقتصادی، چگونگی تعریف آسیب‌پذیری‌های نظام اقتصادی و همچنین، راه‌حل‌های پیشنهادی ایمن سازی است. هنگامی که آسیب‌پذیری و مقاوم سازی از دیدگاه اقتصاد متعارف صورت می‌گیرد، ادبیات «اقتصاد تاب‌آوری» (Resilience Economics) به وجود می‌آید. تاب‌آوری اقتصادی، قدرت سیاست‌گذاری و اجرای آن در یک اقتصاد، برای مقاومت و بازگشت از آثار منفی یا تعدیل اثرات منفی شوک‌های برون‌زای نامساعد و بهره‌برداری و استفاده از شوک‌های مثبت است. به عبارت دیگر، تاب‌آوری شامل نخست، مقاومت و استحکام (و یا تعدیل) در مقابل شوک‌ها و دوم، بازگشت و بازیابی از آن شوک‌هاست (سیفلو، ۱۳۹۳). در مقابل، زمانی که آسیب‌پذیری مسائل اقتصادی از منظر آموزه‌های اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد و راه‌حل‌های برگرفته از تعالیم اقتصادی اسلام ارائه می‌شود، ادبیات «اقتصاد مقاومتی» شکل می‌گیرد.

بنابراین، اقتصاد مقاومتی شامل این دو مؤلفه است. به عبارت دیگر، هدف نهایی از ارائه اقتصاد مقاومتی، تاب‌آوری در مقابل ناامنی‌ها و بی‌ثباتی‌های اقتصادی است، اما مسیر رسیدن به ثبات اقتصادی، بدون گذر از توسعه اجتماعی بر پایه مبانی و برگرفته از هنجارهای اسلامی امر نشدنی است. با توجه به اینکه توسعه اجتماعی به چهار حوزه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی تقسیم شده است، با اذعان به اینکه این تقسیم‌بندی حوزه‌ها، به این معنا نیست که آنها هیچ تاثیری بر یکدیگر ندارند، می‌توان گفت: اگر توسعه اجتماعی را به چهار جزء یاد شده تقسیم کنیم، بی‌گمان تغییر بخش مربوط به اجتماع، می‌تواند بر رشد، امنیت، ثبات اقتصادی و تحقق اقتصاد مقاومتی تاثیرگذار باشد.

اقتصاد مقاومتی

یکی از رویکردها در اقتصاد اسلامی، اقتصاد مقاومتی است. بر اساس مطالب پیشین، می‌توان گفت: اقتصاد مقاومتی، یک نظام اقتصادی نیست که در عرض نظام‌های اقتصادی سرمایه‌داری، سوسیالیستی، مختلط، و حتی اقتصاد اسلامی قرار می‌گیرد، بلکه می‌توان اقتصاد مقاومتی را قرائت و رویکردی در اقتصاد اسلامی تلقی کرد. به عبارت دیگر، می‌توان آن را یک تدبیر یا الگوی اجرایی در داخل نظام اقتصاد اسلامی در نظر گرفت. در این دیدگاه، اقتصاد اسلامی لزوماً مقاومتی هم هست؛ زیرا اقتصاد در نظام اسلامی ظرفیت‌ها و قابلیت‌های دفاعی و شرایط مقاومت را هم‌زمان دارد (حیدری و قربی، ۱۳۹۵؛ اسدی، ۱۳۹۳).

بنابراین، اقتصاد مقاومتی یک نظام اقتصادی مستقل از نظام اقتصاد اسلامی نیست، بلکه یک وصف و ویژگی است که هر نظام اقتصادی می‌تواند به آن متصف شود. از این‌رو، کسانی که دلخوش آن هستند که اقتصاد مقاومتی همان نظام اقتصاد اسلامی و تلاش برای رسیدن به یک نظام اقتصاد اسلامی را کم کرده‌اند، باید بدانند که در صورت تحقق اقتصاد

مقاومتی، لزوماً اقتصاد جامعه به نظام اقتصاد اسلامی نائل نمی‌شود. اقتصاددانان کشور نباید به این خیال که اقتصاد مقاومتی، همان نظام اقتصاد اسلامی است، تلاش خود را برای صورت‌بندی نظام اقتصاد اسلامی کم کنند.^۱

درون‌زا بودن و اتکای بر منابع و نیروهای داخلی کشور، از ویژگی‌های بارز اقتصاد مقاومتی است که الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت نیز بدون آن قابل تدوین نیست. یکی از عوامل مهم برای حرکت در مسیر اقتصاد مقاومتی و تحقق آن، توسعه اجتماعی است. در واقع توسعه اجتماعی، نقش مهمی در تحقق اقتصاد مقاومتی دارد. به سخن دقیق‌تر، هم اقتصاد مقاومتی منجر به توسعه اجتماعی می‌شود و هم توسعه اجتماعی، اقتصاد مقاومتی را به‌وجود می‌آورد.

ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی

الف. یک ویژگی عملی و راهبردی اقتصاد مقاومتی، مردم‌بنیاد بودن آن است. بدان معنی که مردم جامعه اسلامی، باید در متن اقتصاد مقاومتی نقش اصلی را ایفا کنند و این زمانی امکانپذیر است که روح جمعی حاکم بر جامعه اسلامی، با فرهنگ اقتصاد مقاومتی سازگار باشد. بر این اساس، این مبنا اقتضا دارد که فرهنگ اقتصاد مقاومتی در جامعه نهادینه شود. برنامه‌ریزی در حوزه فرهنگ، باید فراگیر و تاثیرگذار بر هویت افراد در آید و این نیازمند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در حوزه فرهنگ است.

از آنجا که اقتصاد مقاومتی، الگوی عملی نظام اقتصادی اسلام در شرایط ایران پس انقلاب است، بنابراین مشارکت مردم در اقتصاد، به عنوان یکی از ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی، با عنوان اقتصاد مردم‌بنیان توسط رهبر معظم انقلاب مطرح شد و بارها مورد تأکید ایشان قرار گرفت. به‌طورکلی، اهداف و آرمان‌های مورد نظر رهبر جمهوری اسلامی، بدون مشارکت مردم تحقق‌پذیر نیست. آنچه برای بنای زندگی و سازندگی آینده مورد انتظار است، بدون مشارکت مردم تحقق‌پذیر نیست. بنابراین، علاوه بر مدیریتی که مسئولان باید انجام بدهند، حضور مردم در هر دو عرصه لازم و ضروری است؛ هم عرصه اقتصاد، هم عرصه فرهنگ (پیام نوروزی مقام معظم رهبری به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۳).

ب. یکی دیگر از ویژگی‌های عملی و راهبردی اقتصاد مقاومتی، جهاد اقتصادی است. یکی از عناصر مهم جهاد اقتصادی، ایثار مال در راستای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی است. این مبنا، منطق چنین ایثاری را فراهم می‌آورد (میرمعزی، ۱۳۹۷، ص ۱۴۶-۱۵۰).

ج. اتکا بر تولید داخلی: دستیابی به قدرت اقتصادی برتر و رشد پویا و افزایش قدرت مقاومت در برابر تحریم‌ها و بحران‌های اقتصادی در شرایط فعلی، تنها با تکیه بر ظرفیت‌های داخلی میسر است و از جمله مهمترین ظرفیتهای کشور، نیروی انسانی و سرمایه‌هایی است که در دست مردم است. بنابراین، لازم است از این ظرفیت‌ها در جهت تحقق اقتصاد مقاومتی استفاده حداکثری شود. از سویی، مصرف‌کننده تولیدات داخلی مردم هستند. مردم باید برای تقویت تولید داخلی، از مصرف کالاهای خارجی پرهیز کنند. در غیر این صورت، کالاهایی که در داخل تولید می‌شود، به صورت مازاد در انبار تولیدکننده‌ها می‌ماند و به فروش نمی‌رسد و در یک نگاه کلی، موجب رکود اقتصاد ملی می‌شود. از سوی دیگر، با مصرف کالاهای خارجی کشور بی‌شتر وابسته می‌شود و این با اهداف اقتصاد مقاومتی مغایر است. به نظر رهبر انقلاب:

سهام مردم که به نظر من از همه اینها مهم تر است، م صرف تولیدات داخلی است. ما باید عادت کنیم، برای خودمان فرهنگ کنیم، برای خودمان یک فریضه بدانیم که هر کالایی که مشابه داخلی آن وجود دارد و تولید داخلی متوجه به آن است، آن کالا را از تولید داخلی مصرف کنیم و از مصرف تولیدات خارجی به جد پرهیز کنیم. در همه زمینه‌ها: زمینه‌های مصارف روزمره و زمینه‌های عمده‌تر و مهم‌تر (بیانات مقام معظم رهبری به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۱).

توسعه اجتماعی

در فرایند مرور منابع، هرچه از گذشته به حال نزدیکتر می‌شویم، هم‌زمان با فرایند تقسیم کار، تفاوت‌پذیری امور و تخصصی شدن علوم و گرایش به تدقیق مفاهیم، به‌کارگیری آنها در معانی اخص خود، بیشتر شده است، به‌طوری‌که امروزه برحسب حوزه‌های چهارگانه زندگی اجتماعی، دست‌کم با چهار نوع توسعه (اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی) سروکار داریم که هرچند در فرایند توسعه ملی، در هر جامعه‌ای با یکدیگر دارای تعامل، نفوذ و ارتباط متقابل هستند، ولی از هویت، استقلال نسبی و ویژگی‌های خاص خود برخوردارند. بر این اساس، حوزه توسعه اجتماعی، که حوزه انسجام و یگانگی است، به‌رغم داشتن ارتباط متقابل و تعامل با سایر حوزه‌ها، از هویت و استقلال نسبی برخوردار است و به منزله یک واقعیت اجتماعی قابل مطالعه است (الکساندر، ۱۹۹۵، ص ۹۷). امروزه توسعه همه‌جانبه و متوازن در یک جامعه، ناظر بر فرایندی در نظر گرفته می‌شود که این چهار بعد زندگی اجتماعی، هم‌زمان و در ارتباط متقابل با هم باشند (رک: عبداللهی، ۱۳۸۰، ص ۲۱۷). لازم به یادآوری است که در ادبیات معاصر جامعه‌شناسی، به چهار نوع توسعه (توسعه همه‌جانبه) نیز توسعه اجتماعی اطلاق می‌شود.

«توسعه اجتماعی»، در منابع موجود با تعاریف و تعابیر متفاوتی به‌کار رفته است که معرف رویکردهایی متفاوت، همچون رهیافت‌های عام و خاص و همچنین، تقسیم‌بندی ایدئولوژیک توسعه اجتماعی بر اساس دیدگاه‌های رفاه‌گرا و مارکسیستی است. برای مثال، نظریه‌پردازان رفاه‌گرا، به اصل کلی توسعه اجتماعی در حرکت به سوی کیفیت بیشتر زندگی، اعتقادی را سخ دارند. از جمله وارنر (۱۹۵۸) معتقد است: توسعه اجتماعی عبارت است از، امکانات رفاهی برای زندگی بهتر مردم جامعه (زارعی، ۱۳۹۵).

اما از نظر سازمان‌های بین‌المللی، همچون سازمان ملل متحد، با استناد به گزارش‌های توسعه اجتماعی، هدف نهایی توسعه، ارائه فرصت‌های مناسب به مردم برای زندگی بهتر، از طریق دسترسی به تسهیلات آموزشی، بهداشتی، رفاهی، تغذیه، مسکن، اشتغال و مانند آن است (شمعدانی حق، ۱۳۸۰، ص ۲۵۱). امروزه توسعه همه‌جانبه، اشاره ضمنی به اهداف اجتماعی دارد. برای مثال، در نشست جهانی برای توسعه اجتماعی (WSSD)، کشورها در بیانیه نهایی خود بر حمایت از سرمایه‌گذاری در کاهش فقر، اشتغال‌زایی، دموکراسی، عدالت اجتماعی، خشونت‌زدایی و برابری تأکید ورزیدند که در نهایت، برسه محور زیر توافق حاصل شد:

۱. مردم ابزار توسعه هستند، چگونگی زندگی مردم معیار اثر بخش بودن توسعه است و مشارکت و مسئول بودن در پیشگامی برای توسعه، عوامل مهم در کامیابی آن است؛

۲. ارتباطات، فرهنگ‌ها و نهادها سرمایه اجتماعی جامعه هستند. به سرمایه‌های فیزیکی، انسانی و مدیریت سرمایه طبیعی بسیار توجه شده است، اما باید سرمایه اجتماعی بیشتری برای توسعه، شناسایی و تقویت شود؛
۳. مردم، نهادها و جامعه، انگیزه توسعه هستند. برای اطمینان از اینکه اهداف و سیاست‌ها ممکن و موثرند، باید زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و نهادی را بهتر بفهمیم (سایت بانک جهانی، ۱۹۹۷).
- می‌توان به شکل تخصصی، از تقسیم‌بندی‌هایی که در نظریه‌های جامعه‌شناسی در رابطه با مفهوم توسعه اجتماعی نظیر رهیافت وبری از توسعه اجتماعی (بالا، ۱۹۶۳؛ گیرتز، ۱۹۵۶)، رهیافت ساختی — کارکردی از توسعه اجتماعی (پارسونز، ۱۹۷۱، نیل / سلسر، *اینرشتاد، برینگتون مور*)، رهیافت روانشناختی اجتماعی از توسعه اجتماعی، (دانیل لرنر، *اینکلس و اسمیت، مک‌کلهند، راجرز، ۱۹۶۹ و هیگن*) و نظرات فرانکفورتی‌ها از توسعه اجتماعی، (شودور آدورنو، *ماکس هورکهایمر، هربرت مارکوزه و یورگن هابرماس* (۱۹۷۶)) بحث کرد (رک: آزادارمکی و همکاران، ۱۳۹۱).
- ماکس وبر، با تبیین ارتباط میان توسعه اجتماعی با شانس زندگی، بر این نظر پافشاری می‌کند که شانس زندگی عبارت است از: امکان دستیابی به شرایط زندگی مناسب‌تر و تجربیات زندگی شخصی بهتر. از سوی دیگر، *میلز و گرت*، گستره زیادی برای مفهوم شانس زندگی قائل شده‌اند که شامل هر چیزی است که امکانات زندگی از یک سالگی تا شانس دیدن هنرهای زیبا، تندرستی، رشد و... را فراهم می‌کند (شمعدانی حق، ۱۳۸۰، ص ۲۵۱).
- در مقابل این نظر، دیدگاه‌های مارکسیستی بر ارزش‌های مبتنی بر مساوات اجتماعی، در بحث توسعه اجتماعی تأکید کرده‌اند. *دونگ کیم*، توسعه اجتماعی را درجه‌ای از ساختار اجتماعی می‌داند که به اکثریت مردم محروم جامعه، نه تنها اجازه تقاضا برای برخورداری از منابع ملی را می‌دهد، بلکه برای رسیدن به آن هدف، آنها را یاری می‌کند. از نظر او، اگر تغییر ساختاری جامعه در مسیری باشد که فرصت‌های لازم را برای دستیابی توده محروم، به سهم خود از منابع ملی در اختیار آنها قرار دهد، این مسیر، در اصل همان فرایند توسعه است. در واقع، فرایند توسعه اجتماعی از دیدگاه این رهیافت، فرایندی است عاری از استثمار و استثمار خارجی در جامعه (نظری، ۱۳۷۷).
- می‌توان به تقسیم‌بندی توسعه اجتماعی، در قالب رویکرد عام‌گرا و خاص‌گرا نیز اشاره کرد. در رهیافت عام‌گرا، توسعه اجتماعی مترادف با چیزی مشابه با توسعه ملی، یا توسعه همه‌جانبه و متوازن است. در اینجا، توسعه اجتماعی (همه‌جانبه) از توسعه غیراجتماعی یا فنی متمایز شده است؛ ولی با سایر انواع توسعه؛ یعنی توسعه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی تداخل یافته است. به عبارت دیگر، نظریه‌های عام‌گرای توسعه اجتماعی، در بطن خویش، توسعه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را دارد و به بازمینی اهداف، برنامه‌ها و راهبردهای تحقق اهداف اجتماعی می‌پردازد. توسعه اجتماعی، با هدف بازمینی و تغییرات ساختاری و با افزایش قابلیت‌ها و ظرفیت‌های جوامع، تأکید خاصی بر تأمین نیازهای اجتماعات انسانی، اعم از نیازهای اقتصادی، اجتماعی، بوم‌شناختی، فرهنگی، سیاسی و انسانی دارد (مقصودی، ۱۳۸۰، ص ۱۲۳).
- به هر حال، منظور از «توسعه اجتماعی» در این جستار، همان معنای عام یا همه‌جانبه توسعه اجتماعی است که شامل توسعه سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی نیز می‌شود. ولی نه بر پایه سکولاریسم، امانیسم و لیبرالیسم که بر پایه مبانی اسلامی و با راهبردهای برگرفته از هنجارهای اسلامی است. این معنای توسعه اجتماعی، در مقابل توسعه‌های غیراجتماعی همچون توسعه فنی و تکنولوژی قرار می‌گیرد.

رابطه توسعه اقتصادی با توسعه اجتماعی

دیدگاه غالب در مورد رابطه توسعه اقتصادی و توسعه اجتماعی، این است که توسعه اجتماعی، نتیجه توسعه اقتصادی است. بر اساس این دیدگاه، با تحقق توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی هم محقق خواهد شد. بیشتر صاحب‌نظران اقتصادی، دارای چنین دیدگاهی هستند و اکثر نظریه‌های توسعه اقتصادی، به‌ویژه تا پیش از دهه ۱۹۷۰ میلادی بر همین مبنا صورت‌بندی شده‌اند. به‌گونه‌ای که می‌توان گفت: این نظریه‌پردازان، توسعه اقتصادی را نیز به تحقق رشد اقتصادی و تهیه راهکارها و الزامات آن تقلیل داده‌اند (موسایی، ۱۳۸۸). اما با یک بررسی دقیق‌تر می‌توان گفت: توسعه اقتصادی شرط لازم توسعه اجتماعی است، ولی کافی نیست. اگر چه می‌توان بر اساس یک دیدگاه جامعه‌شناختی مدعی تقدم توسعه اجتماعی بر توسعه اقتصادی بود. بر اساس این فرض، سازوکار تأثیر توسعه اجتماعی بر توسعه اقتصادی در شرایط بحران (تحقق اقتصاد مقاومتی) چگونه است؟

رابطه اقتصاد مقاومتی و توسعه اجتماعی

به نظر می‌رسد، شاخص‌های توسعه اجتماعی راهکار بسیار مناسبی برای بهبود شاخص‌های اقتصاد مقاومتی در ایران باشد؛ زیرا مؤلفه‌های توسعه اجتماعی^۲ می‌تواند بسیاری از مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی را بهبود بخشد و همچنین، بهبود شاخص‌های اقتصاد مقاومتی، منجر به بهبود غیرمستقیم سایر شاخص‌های توسعه اجتماعی مانند ۱. امید به زندگی در بدو تولد ۲. میزان باسوادی ۳. میزان مرگ و میر کودکان ۴. میزان پوشش انواع بیمه می‌شود. بهبود شاخص‌های یادشده نیز بر شاخص‌هایی مانند آزادی انتخاب در جامعه؛ آرمان‌های نوین‌سازی؛ خواست سیاسی؛ عزت نفس جامعه؛ ثبات و امنیت؛ البته با نماگرهای اسلامی، تأثیرگذار بوده و آنها را بهبود می‌بخشد. سرانجام، شاخص‌های منفی توسعه اجتماعی مانند تورم، سوءتغذیه، هزینه‌های اجتماعی تولید کالاها یا خدمات، وجود انواع دوگانگی و غیره کاهش می‌یابد.

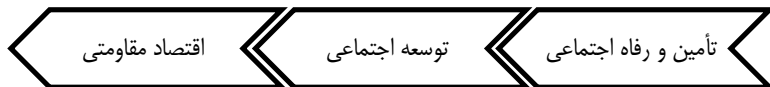
برای مثال، یکی از اهداف توسعه اقتصادی مبارزه با فقر است. بر اساس این مسؤولیت، جمهوری اسلامی ایران نیز برنامه‌ای برای مبارزه با فقر تحت عنوان «اقتصاد مقاومتی» تدارک و ارائه کرده است. مستند این برنامه نیز اصل‌های ۳ و ۴۳ قانون اساسی است که دولت را موظف به پی‌ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه، بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه، رفع فقر و زدودن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت، تعمیم بیمه، تأمین خودکفایی در علوم و فنون و صنعت و کشاورزی کرده است (موسایی، ۱۳۸۸). از این رو، توسعه اقتصادی در قالب مبارزه با فقر، که موجب شکل‌گیری اقتصاد مقاومتی است، خود باعث توسعه اجتماعی می‌گردد.

جدول ۲: مولفه‌های اقتصاد مقاومتی و توسعه اجتماعی

مولفه‌های توسعه اجتماعی	مولفه‌های اقتصاد مقاومتی
عدالت اجتماعی، مبارزه با فقر	عدالت‌محوری
پرورش نیروی انسانی متعهد و کارآمد	توانمندسازی نیروهای داخلی
سطح بهره‌وری، منابع اجتماعی تولید کالاها یا خدمات	افزایش تولید
توزیع درآمد	توزیع عادلانه
تامین حداقل معیشت همه مردم	مصرف صحیح منابع
شفاف‌سازی و مبارزه با فساد	سلامت اقتصادی و اصلاح بستر فعالیت‌های اقتصادی
ایجاد اشتغال	حمایت از تولید و محصولات داخلی
نوآوری و خلاقیت، آرمان‌های نوین‌سازی	ایجاد اقتصاد دانش‌بنیان
مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، واگذاری حق مردم به مردم	جلب مشارکت عموم مردم
توانمندسازی محرومان	تقویت توانمندی و بازدهی نیروی کار
کیفیت زندگی شامل: دسترسی به آموزش، طول عمر، میزان مرگ و میر نوزادان، بهبود تغذیه، سطح بهداشت، مسکن مناسب، نرخ رشد جمعیت، امید به زندگی در بدو تولد، نرخ پوشش انواع بیمه، تأمین و رفاه اجتماعی	توجه به زندگی مردم
بهبود موثر، پاسخگو و شفاف نهادها و حکمرانی خوب	مبارزه با فساد اقتصادی
امنیت و ثبات اجتماعی	امنیت و ثبات اقتصادی

سازوکار تأثیر توسعه اجتماعی بر اقتصاد مقاومتی

شاخص توسعه اجتماعی، از عوامل اثرگذار در توسعه اقتصادی محسوب می‌شود. از این رو، بهبود تعداد محدودی از شاخص‌های توسعه اجتماعی، در کنار شاخص‌های اقتصادی، از عوامل مؤثر در رشد و پیشرفت اقتصادی کشورها محسوب می‌شود. اما توسعه اجتماعی، خود معلول عوامل متعددی است. یکی از عوامل مؤثر بر توسعه اجتماعی، برنامه‌های مربوط به تأمین و رفاه اجتماعی است. یکی از روش‌های ارتقای فضای توانمندسازی و بهبود یکپارچگی اجتماعی و یکی از مسیرهای سرمایه‌گذاری در برنامه‌های اجتماعی، تأمین اجتماعی است. از این طریق، سطح زندگی طبقات محروم جامعه ارتقاء می‌یابد و بهبود اوضاع اقتصادی - اجتماعی مردم، روندی مناسب‌تر پیدا می‌کند. در بعد اجتماعی، تأمین اجتماعی با گسترش پوشش حمایتی خود، سبب بهبود وضع بهداشت و درمان، آموزش، تغذیه، مسکن و بسیاری مسائل اجتماعی دیگر می‌شود و به توسعه رفاه کمک می‌کند (کلاترری، ۱۳۹۳، ص ۱۳). هدف توسعه اجتماعی، رسیدن به هماهنگی بین توسعه اقتصادی و رفاه اجتماعی به مثابه ابزاری برای ارتقاء رفاه است.



توسعه اجتماعی نیز از طریق شاخص‌های خود؛ یعنی آموزش، بهبود سلامت، کارآفرینی و کاهش هزینه‌های خدمات اجتماعی بر تحقق اقتصاد مقاومتی مؤثر است. مهم‌ترین متغیر مستقل توسعه اجتماعی، که از مسیرهای مختلف (مثل تقویت خصوصی سازی، مردمی کردن اقتصاد، تقویت اقتصاد دانش‌بنیان)، بر شکل‌گیری اقتصاد مقاومتی تأثیر می‌گذارد، آموزش است. یکی از راه‌های تحقق اقتصاد مقاومتی، تکیه بر مردم و بخش خصوصی

است. نقشه راه، مردمی کردن اقتصاد، همان سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و کاهش تصدی‌گری دولت و واگذاری امور به بخش خصوصی است. اما بخش خصوصی، به دلیل ناتوانی، حاضر به همکاری در این حوزه نمی‌باشد. بخشی از عدم توانایی بخش خصوصی، مربوط به نظام آموزشی است. نظام آموزش و پرورش و دانشگاه‌های ما، فرد را برای فضای کار و نیاز جامعه آماده نمی‌کند و مهارت لازم را به فرد آموزش نمی‌دهند و نیروی انسانی در ایران پاسخگوی نیاز جامعه نیست (پیغامی، ۱۳۹۵، ص ۱۹۰-۱۹۲).

یکی از هدف‌های مشترک توسعه اجتماعی و اقتصاد مقاومتی، مردم هستند. به عبارت دیگر، تمام تلاش‌های توسعه اجتماعی و اقتصاد مقاومتی، با هدف تأمین و افزایش رفاه مردم و بروز و ظهور استعدادها آنها صورت می‌گیرد؛ یعنی مردم هم هدف و هم وسیله تحقق توسعه اجتماعی و اقتصاد مقاومتی هستند. منظور از «وسیله بودن مردم» این است که آنها هستند که باید تلاش کنند اقتصاد مقاومتی را تحقق بخشند و هم آنها هستند که می‌توانند اجتماع را توسعه دهند. بنابراین، اگر مردم به دنبال آنها نباشند، هیچ یک از این موارد تحقق نخواهد یافت. مقدمات مردمی شدن اقتصاد، این است که به لحاظ اقتصادی، مردم بلوغ و رشد لازم را پیدا کرده باشند. مردمی که آموزش اقتصاد ندیده‌اند و در خواندن آمار مشکل دارند، نمی‌دانند سیاست‌های پولی و مالی چیست و از مشکلات و نوسانات بین‌المللی اقتصاد جهانی خبری ندارند، ممکن است در فضای بین‌المللی فریب بخورند (همان، ص ۱۸۵).



آموزش در واقع توانمندسازی سرمایه‌های انسانی و توانمندسازی محرومان است. در جامعه جهانی، برنامه توانمندسازی فقرا وجود دارد که به آن «آموزش اقتصاد برای توانمندسازی فقرا» گفته می‌شود. اما در اقتصاد اسلامی، عدالت اجتماعی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه اجتماعی است. در نظام فکری اسلام، تبعیض، اختلاف طبقاتی و فقدان عدالت، هیچ جایگاهی ندارد و مغایر با مبانی دین و اهداف نظام جمهوری اسلامی است. باید طبقات محروم از پیشرفت اقتصادی کشور، به معنای واقعی کلمه بهره‌مند شوند (پیغامی، ۱۳۸۹، ص ۴۱۹). بهره‌مندی طبقات محروم از مواهب پیشرفت اقتصادی، به معنای ایجاد عدالت و واگذاری حق هر کسی به اوست (مردمی کردن اقتصاد). مراد از «عدالت‌محور بودن» اقتصاد مقاومتی این است که تنها به شاخص‌های اقتصاد سرمایه‌داری، مثل رشد ملی و تولید ناخالص ملی اکتفا نمی‌کند.

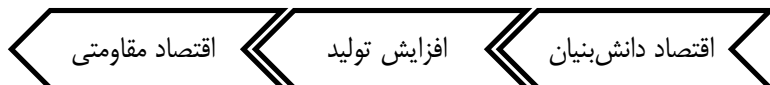


یکی از سازوکارهای تأثیر آموزش بر اقتصاد مقاومتی، از مسیر تربیت متخصص و کارگر مبتنی بر دانش و شکل‌گیری اقتصاد دانش‌بنیان است. اقتصاد دانش‌بنیان، اقتصادی است که تلاش می‌کند مستقیم از طریق دانش، خلق ارزش کند. نظام آموزشی، باید کودکان را برای صناعی تربیت کند که هنوز خلق نشده، تا آنها بتوانند متخصصان و کارگران مبتنی بر دانش باشند (همان، ص ۳۰۳). اقتصاد دانش‌بنیان را اقتصادی می‌دانند که در آن تولید و توزیع و کاربرد دانش عامل و محرک اصلی رشد اقتصادی و تولید ثروت و اشتغال در همه صنایع است. به عبارت دیگر،

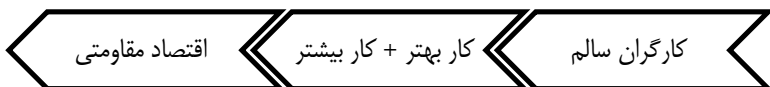
اقتصاد دانش‌بنیان، تولید و توزیع و کاربرد دانش در همه صنایع، عامل محرک رشد اقتصادی و تولید ثروت و اشتغال است (علم‌خواه و صادقی شاهدانی، ۱۳۹۴، ص ۱۸؛ شعبانی و عبدالملکی، ۱۳۹۰؛ توسلی، ۱۳۸۲).



اقتصاد دانش‌بنیان افزون بر اینکه به طور مستقیم در شکل‌گیری اقتصاد مقاومتی تأثیر دارد، می‌تواند عامل افزایش تولید و از این مسیر، بر تحقق اقتصاد مقاومتی نیز مؤثر باشد. فرایند تولید دارای ورودی و خروجی است. یکی از مهم‌ترین ورودی‌های این نظام، تولید علم است. هر کس دانش بیشتری داشته باشد، تولید بهتری داشته است.



یکی دیگر از شاخص‌های توسعه اجتماعی، بهبود سلامت و بهداشت جسمی مردم است. این تأثیر در حوزه سلامت، از این مسیر صورت می‌گیرد که کارگران سالم‌تر در مقایسه با دیگران، بیشتر و بهتر کار کرده و ذهن خلاق و آماده‌تری دارند، در نتیجه رشد اقتصادی بیشتری را ایجاد می‌کنند.



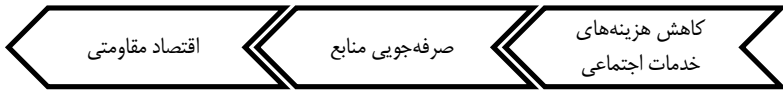
همچنین، از آن جایی که بهبود سلامت در نیروی انسانی انگیزه ادامه تحصیل و کسب مهارت‌های بهتر را به دنبال خواهد داشت، بهبود این متغیر، منجر به پیشرفت شرایط آموزشی به صورت مستقیم و افزایش رشد و بهره‌وری به صورت غیرمستقیم می‌شود.



یکی دیگر از شاخص‌های توسعه اجتماعی، شاخص جمعیت است. هرچند در دیدگاه‌های بدبینانه اقتصاددانان مالتوسی و نئومالتوسی جمعیت به عنوان مانع توسعه در نظر گرفته شده است؛ نظریات جدید جمعیت را به عنوان یکی از عوامل رشد و توسعه در نظر می‌گیرند؛ مشروط به آنکه مدیریت درستی در این زمینه صورت گیرد. از نگاه اقتصاد مقاومتی نیز کاهش جمعیت و پیر شدن جمعیت باعث شکندگی اقتصاد کشور و بروز آسیب‌های اقتصادی همچون افزایش هزینه‌های بهداشتی و درمانی، کاهش نیروی مولد و فعال و افزایش احتمال ورشکستگی صندوق‌های تأمین اجتماعی می‌شود. از این رو، افزایش جمعیت می‌تواند در راستای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی قرار گیرد.

یکی دیگر از شاخص‌های توسعه اجتماعی، کاهش هزینه‌های خدمات اجتماعی است. توسعه اجتماعی، هزینه‌های خدمات اجتماعی در اقتصاد را کاهش می‌دهد. بنابراین، موجب صرفه‌جویی منابع در اقتصاد و کارایی آن می‌شود و از این طریق، امکان توسعه اقتصادی را فراهم می‌آورد. در واقع هر چه توسعه اجتماعی گسترده‌تر شود،

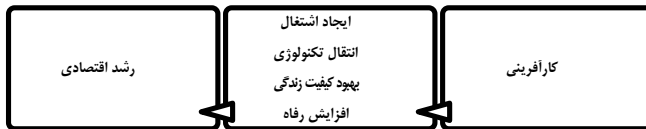
هزینه‌های غیرتولیدی و خدماتی کاهش می‌یابد. از سوی دیگر، توسعه اجتماعی نه تنها زمینه توسعه اقتصادی را فراهم می‌آورد، بلکه خودش از شاخص‌های توسعه محسوب می‌شود. کشورهای توسعه یافته، در واقع از توسعه



اجتماعی نیز برخوردارند. به عبارت دیگر، توسعه اجتماعی بخشی از حلقه توسعه یافتگی است.

یکی دیگر از شاخص‌های توسعه اجتماعی، کارآفرینی برای مردم و افزایش اشتغال برای آنان است. امروزه کارآفرینی را به عنوان موتور رشد و توسعه جوامع می‌شناسند (ر.ک: هیگنیز، ۱۳۸۲). در جوامع آگاه و اندیشه‌ورز، دامنه تأثیر کارآفرینی بسیار وسیع بوده، به نحوی که از طریق تجربه و انتقال آن، قابل آموزش و قابل یادگیری است. زمانی که کارآفرینی به عنوان یک روش زندگی، توسط اکثریت افراد جامعه پذیرفته شود، ارکان توسعه در آن جامعه در مقایسه با سایر جوامع سریعتر رشد می‌کند؛ چرا که کارآفرینی و افراد کارآفرین موجب ایجاد اشتغال، انتقال تکنولوژی، بهبود کیفیت زندگی و ایجاد رفاه و ثروت می‌شوند. جامعه و سازمانی می‌تواند در مسیر توسعه، به خصوص توسعه اقتصادی، حرکت رو به جلو داشته باشد که با ایجاد بسترهای لازم، منابع انسانی خود را به دانش و مهارت کارآفرینی مولا تجهیز کند تا آنها با استفاده از تکنیک‌هایی چون مهندسی ارزش، سایر منابع جامعه و سازمان را به سوی ایجاد ارزش و حصول رشد و توسعه، مدیریت و هدایت کنند.

شکل ۱: رابطه کارآفرینی و رشد اقتصادی

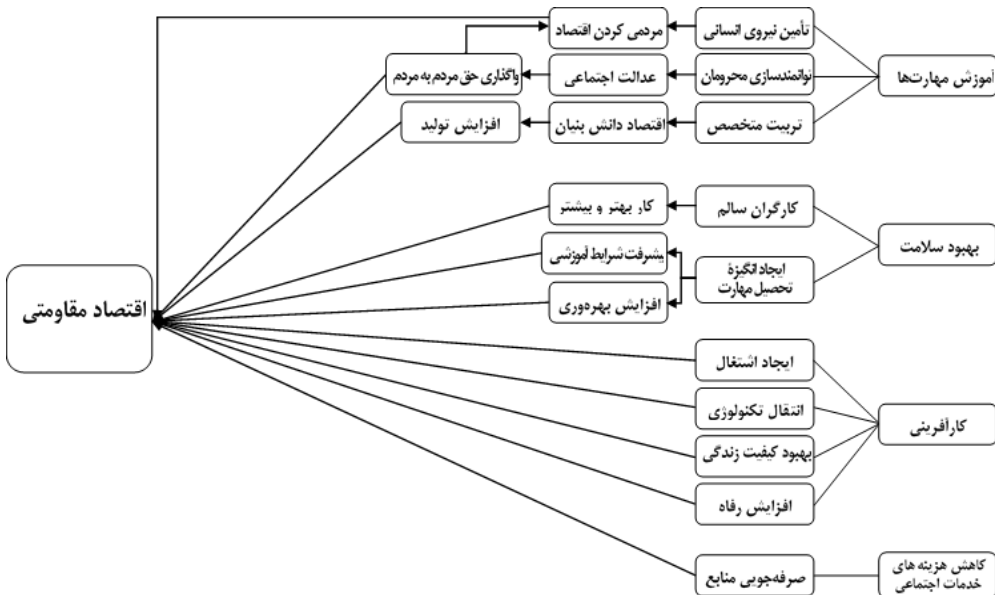


در یک جمع‌بندی می‌توان گفت: یکی از ابزارهای مهم تحقق توسعه اجتماعی و در نتیجه، از بین رفتن شکاف اجتماعی، آموزش است. آموزش افراد را توانمند می‌کند و استعدادها را برآور کرده و خلاقیت انسان‌ها را از قوه به فعلیت می‌رساند و در نتیجه، به رشد فردی و اجتماعی کمک بسیاری می‌نماید. افزون بر این، آموزش می‌تواند منجر به ارتقای ظرفیت‌های خانواده شده و بر مؤلفه‌های اقتصاد دانش‌بنیان نیز کمک نماید. طبیعی است که آموزش همگانی، با رشد توانمندی‌های افراد می‌تواند به اقتصاد عدالت‌محور نیز کمک زیادی کند. آشکار است که رشد افراد به تقویت خانواده‌ها می‌انجامد و افراد با کسب دانش، زمینه‌های تحقق اقتصاد دانش‌بنیان را فراهم می‌کنند. اقتصادی که بر دانش افراد داخلی متکی است.

بنابراین، ملاحظه می‌شود که در یک فرآیندی که از آموزش، که یکی از مؤلفه‌های توسعه اجتماعی است، آغاز می‌شود به تکیه بر عناصر داخلی می‌رسیم که یکی از عناصر اقتصاد مقاومتی می‌باشد. این موضوع، در سایر مؤلفه‌های هر یک از مفاهیم توسعه اجتماعی و اقتصاد مقاومتی نیز وجود دارد. به دیگر سخن، می‌توان نقطه آغاز را

یکی از مؤلفه‌های توسعه اجتماعی، یا اقتصاد مقاومتی قرار داد و نحوه تأثیرگذاری آن مؤلفه را هم بر توسعه اجتماعی و هم بر اقتصاد مقاومتی نشان داد.

نمودار: نحوه تأثیرگذاری مؤلفه‌های توسعه اجتماعی بر اقتصاد مقاومتی



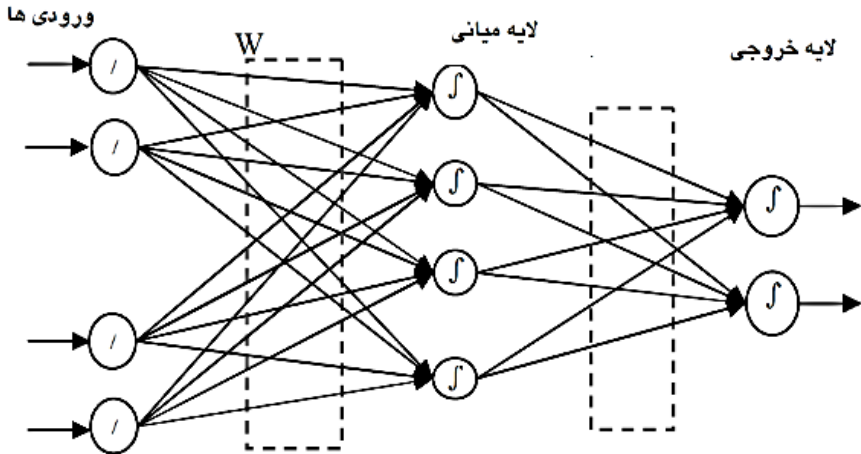
مدل و روش بررسی رابطه توسعه اجتماعی و اقتصاد مقاومتی، مسیر تأثیر توسعه اجتماعی بر اقتصاد مقاومتی گسترده است. این مسیرها غیرخطی، پویا و در ورود چندعاملی است. از این رو، به نظر می‌رسد شبکه‌های عصبی مصنوعی، در شناسایی مسیرهای احتمالی از مدل‌های مرسوم آماری همچون تحلیل مسیر موفق‌تر باشد. مدل شبکه عصبی مصنوعی برای پردازش، تجزیه و تحلیل داده‌ها برای مسائلی به کار می‌رود که بتوان آنها را تا حد یک مسئله ساده طبقه‌بندی کرد. پیچیده بودن و پویایی مفاهیم توسعه اجتماعی و اقتصاد مقاومتی، دلیل گرایش به بهره‌گیری از مدل شبکه‌های عصبی مصنوعی برای شبیه‌سازی آنهاست.

روش بررسی مدل‌هایی که چندین ورودی دارند، مدل شبکه عصبی مصنوعی است. شبکه‌های عصبی مصنوعی، با الهام از شبکه‌های عصبی بیولوژیکی بدن انسان، روش نوینی را تشکیل می‌دهند که در مدل‌سازی پدیده‌های گوناگون کاربرد گسترده‌ای یافته‌اند. ویژگی بارز در شبکه‌های عصبی، توان آموزش‌پذیری آنهاست؛ به این معنا که این شبکه‌ها قادرند تا از روی الگوهای آموزشی (ورودی و خروجی‌های مناسب)، با به کارگیری الگوریتم‌های مختلف آموزش، رابطه بین متغیرهای مختلف را شناسایی کنند.

توانایی شبکه‌های عصبی مصنوعی، در پردازش همزمان و موازی داده‌های متعدد، ضبط و مهار متغیرهای مختلف مؤثر است. در این مدل، به جای توجه به عواملی که سهم بزرگی دارند، سهم تمامی عوامل وارد شده در پردازش لحاظ می‌شود و امکان تحلیل داده‌هایی که دارای روابط بسیار پیچیده هستند نیز وجود دارد (کاظم‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۸).

مدل شبکه‌های عصبی، با الهام از شکل پردازش اطلاعات در مغز انسان، پیش از طرح فر ضیبه، به دریافت داده‌هایی خام می‌پردازد. آنگاه پس از پردازش آنها روابط موجود را کشف و قوانین حاکم بر این روابط را در می‌یابد و در وهله‌ای دیگر، با مشاهده بخشی از داده‌ها اقدام به قضاوت در مورد مابقی آنها می‌کند (همان).

شکل ۲: مدل شبکه عصبی



نکته قابل توجه اینکه، در روش تحلیل‌های آماری غیر از شبکه عصبی مصنوعی، همچون تحلیل مسیر، به درک و بررسی نحوه ارتباطات داخلی متغیرها نیازی نیست. این مسئله کار را دشوار و میزان دقت را کاهش می‌دهد. اما در روش شبکه‌های عصبی مصنوعی، به طور خودکار، ارتباطات داخل متغیرها (بدون نیاز به درک و نحوه پیچیدگی ارتباط آنها) در مسئله در نظر گرفته می‌شود.

نتیجه‌گیری

در این مقاله، سه نتیجه عمده به دست آمده که در ذیل شماره می‌شوند.

۱. همان‌طور که در بحث رابطه اقتصاد مقاومتی و توسعه اجتماعی ملاحظه شد، برخی از شاخص‌ها و مولفه‌های اقتصاد مقاومتی، دقیقاً بر شاخص‌ها و مولفه‌های توسعه اجتماعی منطبق هستند. از این شاخص‌ها، می‌توان به رشد، عدالت، توزیع درآمد و امنیت و ثبات اقتصادی اشاره کرد. به عبارت دیگر، این شاخص‌ها میان اقتصاد مقاومتی و توسعه اجتماعی مشترک هستند. بنابراین، پیگیری این شاخص‌ها در توسعه اجتماعی و تلاش برای تحقق یا بهبود آنها، منجر به ارتقای شاخص اقتصاد مقاومتی می‌شود. به عکس، چنانچه این شاخص‌ها در اقتصاد مقاومتی پیگیری شوند، منجر به ارتقای توسعه اجتماعی نیز خواهند شد.

برخی شاخص‌های اقتصاد مقاومتی و توسعه اجتماعی، به صورت کامل برهم منطبق نیستند. ولی به لحاظ مفهومی به نظر می‌رسد که با هم ارتباط دارند. برای مثال، یکی از اهداف پرورش نیروی انسانی متعهد و کارآمد در واقع اتکا به نیروهای داخلی و توانمندی‌های داخلی است. هرچند تمامی آن هدف نیست. همچنین، توجه به زندگی مردم که در اقتصاد مقاومتی مورد توجه قرار می‌گیرد و در توسعه اجتماعی ریزتر شده و مؤلفه‌هایی مانند سطح زندگی شامل دسترسی به خدمات آموزشی، طول عمر، میزان مرگ و میر نوزادان، سوء تغذیه، سطح بهداشت، مسکن مناسب، نرخ رشد جمعیت، نرخ بار تکفل، امید به زندگی در بدو تولد، نرخ پوشش انواع بیمه و... مورد توجه قرار گرفته است. این دسته از شاخص‌ها نیز تا حدودی یکدیگر را پوشش می‌دهند. به عبارت دیگر، تمرکز بر هر یک از زیرمؤلفه‌های این شاخص، در توسعه اجتماعی هم منجر به بهبود شاخص توسعه اجتماعی می‌شود و هم به بهبود اقتصاد مقاومتی منجر می‌شود. سومین دسته از شاخص‌ها، به صورت جداگانه در ذیل هر یک از شاخص‌های اقتصاد مقاومتی و توسعه اجتماعی قرار گرفته است. برای مثال، حمایت از تولید و محصولات داخلی و استفاده حداکثری از تمام ظرفیت‌ها و امکانات تولیدی، شاخص‌هایی هستند که در ذیل اقتصاد مقاومتی، مورد توجه قرار گرفته‌اند. ولی اینکه این شاخص‌ها در چه شاخص‌های توسعه اجتماعی مورد توجه قرار گرفته‌اند، نیاز به بحث و بررسی بیشتر دارد. هر چند می‌توان آنها را با توجیه‌هایی در ذیل برخی از شاخص‌های توسعه اجتماعی در نظر گرفت و با توجیهاتی نیز می‌توان آنها را فقط جزء شاخص‌های اقتصاد مقاومتی دانست.

بنابراین، می‌توان گفت: اقتصاد مقاومتی شاخص‌هایی دارد که توسعه اجتماعی آن شاخص‌ها را ندارد؛ زیرا اقتصاد مقاومتی الگویی بومی است، ولی نظریه‌های توسعه اجتماعی که به‌طور عمده توسط اندیشه‌شناسان خارجی ارائه شده است، شرایط و اقتضانات بومی کشورها را نادیده گرفته و هر نظریه، در شرایط و فضای کشور خود ارائه شده است. البته این موضوع طبیعی نیز می‌باشد. بنابراین، در نبود الگوی بومی توسعه اجتماعی برای کشور ایران، اقتصاد مقاومتی می‌تواند با لحاظ شرایط کشور، آن را از آسیب‌ها حفظ کند و زمینه‌های توسعه اجتماعی را بیشتر فراهم کند.

۲. دومین نتیجه مربوط به مدل به دست آمده از مسیرهای تأثیر توسعه اجتماعی بر اقتصاد مقاومتی است. برای رسیدن به مدل تحلیل تأثیر توسعه اجتماعی بر اقتصاد مقاومتی، نخست مؤلفه‌ها و مسیرهای احتمالی تأثیر را بررسی کردیم و سپس، با تجمیع مسیرهای احتمالی به دست آمده، مدل تأثیر توسعه اجتماعی بر اقتصاد مقاومتی ارائه شد. این مدل، دارای شش متغیر ورودی، ده متغیر در لایه پنهان اول، شش متغیر در لایه پنهان دوم و دو متغیر در لایه پنهان سوم و یک متغیر خروجی داشت.

۳. سومین نتیجه مربوط به روش پیشنهادی، برای مطالعه تجربی تأثیر توسعه اجتماعی بر اقتصاد مقاومتی است. مسیر تأثیر توسعه اجتماعی، بر اقتصاد مقاومتی گسترده است. این مسیرها غیرخطی، پویا و در ورود چندعاملی و چند متغیره است. از این رو، به نظر رسید شبکه‌های عصبی مصنوعی در شناسایی مسیرهای احتمالی از مدل‌های مر سوم

آمارى همچون تحليل مسير موفق تر با شد. مدل شبکه عصبى مصنوعى براى پردازش، تجزيه و تحليل داده ها، براى مسائلى به كار مى روند كه بتوان آنها را تا حد يك مسئله ساده طبقه بندى كرد. پيچيده بودن و پويابى مفاهيم تو سعه اجتماعى و اقتصاد مقاومتى، دليل گرايش به بهره گيرى از مدل شبکه هاى عصبى مصنوعى براى شبیه سازی آنهاست.

پيشنهادها

در بخش پيشنهادها دو پيشنهاد ارائه مى شود: نخست اينكه با توجه به تأثير شاخص جمعيت جويابى كار، به عنوان مهمترين شاخص تعيين كننده رشد اقتصادى كشور و نيز ماهيت ساختار سنى كشور (دارا بودن بيشتريين جمعيت جوان در هرم سنى)، برنامه ريزى هاى كالان در راستاى بهبود وضعيت اشتغال و درآمد زايى جوانان توصیه مى شود. پيشنهاد دوم، پيشنهاد يك تحقيق مستقل در مورد معيارها و شاخص هاى پيشرفت اجتماعى است تا از به كارگيرى واژه توسعه اجتماعى پرهيز شود. پيشنهاد سوم، بايد مطالعات جامعى در مورد تأثير جمعيت بر اقتصاد مقاومتى صورت گيرد تا به صورت مشخص آثار مخرب کاهش جمعيت بر مقاومت اقتصادى مطالعه و آثار مثبت رشد جمعيت بالابى نرخ جايگزينى بر رشد و توسعه تبين گردد.

منابع

- آزادارمکی، تقی و همکاران، ۱۳۹۱، «بررسی و شناسایی شاخص‌های کاربردی توسعه اجتماعی (با استفاده از تکنیک دلفی)» *مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی*، ش ۱، ص ۷-۳۰.
- اسدی، علی، ۱۳۹۳، «نظام اقتصاد اسلامی الگویی کامل برای اقتصاد مقاومتی»، *سیاست‌های راهبردی کلان*، ش ۵، ص ۲۵-۳۹.
- پیغامی، عادل، ۱۳۸۹، *مباحثی در مرزهای دانش اقتصاد اسلامی*، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- ، ۱۳۹۵، *درس گفتارهای اقتصاد مقاومتی*، چ سوم، تهران، بسیج دانشجویی دانشگاه امام جعفر صادق (ع).
- حیدری، منصور و سیدمحمدجواد قربی، ۱۳۹۵، «پژوهشی در معنا و مفهوم اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران»، *سیاست دفاعی*، ش ۹۷، ص ۳۷-۸۰.
- زارعی، یعقوب، ۱۳۹۵، «سنجش برخی شاخص‌های توسعه اجتماعی در مناطق روستایی (مورد مطالعه: استان هرمزگان)»، *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ش ۲۸، ص ۱۹۳-۲۲۹.
- سیف، اله مراد، ۱۳۹۱، «الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران (مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری)»، *آفاق امنیت*، ش ۱۶، ص ۲۲-۲۵.
- سیف‌لو، سجاد، ۱۳۹۰، «مفهوم‌شناسی اقتصاد مقاومتی»، *معرفت اقتصادی*، ش ۱۰، ص ۱۵۱-۱۷۳.
- شعبانی، احمد و حجت‌الله عبدالملکی، ۱۳۹۰، «توسعه اقتصادی دانش‌پایه: مبنای نظری، تجربیات و الزامات سیاست‌گذاری (مقایسه تطبیقی ایران و کشورهای پیشرو)»، *برنامه و بودجه*، ش ۱۱۲، ص ۹۷-۱۲۷.
- شمعدانی حق، علی، ۱۳۸۰، «ابعاد روش شناختی توسعه اجتماعی (شاخص‌های کمی و کیفی)»، در: *مجموعه مقالات اولین همایش توسعه اجتماعی*، تهران: علمی و فرهنگی.
- عبداللهی، محمد، ۱۳۸۰، «توسعه اجتماعی از دیدگاه جامعه‌شناسی امروزی»، در: *مجموعه مقالات اولین همایش توسعه اجتماعی*، تهران: علمی و فرهنگی.
- علم‌خواه، عبدالله و مهدی صادقی شاهدانی، ۱۳۹۴، «مروری بر ادبیات اقتصاد دانش‌بنیان: از شکل‌گیری تا عمل؛ مطالعه موردی: بررسی وضعیت اقتصاد دانش‌بنیان در ایران»، *رشد فناوری*، ش ۴۴، ص ۱۷-۲۷.
- کاظم‌نژاد، انوشیروان و همکاران، ۱۳۸۸، «شبکه‌های عصبی مصنوعی: مدلی برای پیش‌بینی»، *روانشناسی تحولی*، ش ۲۰، ص ۳۰۷-۳۲۱.
- کلانتری، خلیل، ۱۳۷۷، «مفهوم و معیارهای توسعه اجتماعی»، *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، ش ۱۳۱-۱۳۲، ص ۳۰۷-۳۲۱.
- کلانتری، عبدالحسین، ۱۳۹۳، *توسعه اجتماعی چشم‌انداز جهانی و وضعیت ایران*، تهران، دانشگاه تهران.
- توسلی، محمود، ۱۳۸۲، *توسعه اقتصادی: مفاهیم، مبانی نظری، رویکرد نهادگرایی و روش‌شناسی*، تهران، سمت.
- مقصودی، مجتبی، ۱۳۸۰، «نقش گروه‌های قومی در توسعه اجتماعی»، در: *مجموعه مقالات اولین همایش توسعه اجتماعی*، تهران: علمی و فرهنگی.
- موسایی، میثم، ۱۳۸۸، «رابطه توسعه اجتماعی و توسعه اقتصادی»، *راهبرد توسعه*، ش ۲۰، ص ۹۶-۱۱۷.
- میرمعزی، سیدحسین، ۱۳۹۱، «اقتصاد مقاومتی و مزوومات آن (با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری)»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۴۷، ص ۴۹-۷۶.
- ، ۱۳۹۷، *اقتصاد مقاومتی: مبانی نظری و اصول راهبردی*، تهران، مؤسسه فرهنگی هنری حیات طیبه صالحان.
- نظری، محسن، ۱۳۷۷، «مشخصه‌های تحول بازار نیروی کار در چهار دهه اخیر (۱۳۳۵ — ۱۳۵۷)»، *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، ش ۱۳۱-۱۳۲، ص ۱۵۸-۱۷۱.

هیگینز، جیفر، ۱۳۸۲، ۱+۱ *تکنیک حل خلاق مسئله (راه‌های اندیشه‌های نو برای کسب و کار)*، ترجمه محمود احمدپور داریانی، تهران، امیرکبیر.

Alexander.J. Ruel, 1995, *Civil Societies*, Sage publication, London.

<http://farsi.khamenei.ir/newsparnt-index?tid=1932>

<https://www.worldbank.org/>

<https://fa.wikipedia.org/>

پی‌نوشت

۱. گرایش به اقتصاد مقاومتی به معنای عام آن مخصوص ما هم نیست. امروز در بسیاری از کشورها، به خصوص در سال‌های اخیر با تکان‌های شدید اقتصادی که در دنیا به وجود آمد، کشورهای متعددی به دنبال مقاوم‌سازی اقتصاد خودشان برآمدند. البته هر کشوری شرایط خاص خودش را دارد. این اقتصاد سرمایه‌داری با مشکلاتی که ناشی از این اقتصاد بود، از غرب و از آمریکا سرریز به بسیاری از کشورها شد. اقتصاد جهانی در مجموع، یک کل مرتبط به یکدیگر است، طبعاً کشورها از این مشکلات کم و بیش متأثر شدند؛ بعضی بیشتر، بعضی کمتر. بنابراین، بسیاری از کشورها درصد برآمدند که اقتصاد خودشان را مقاوم‌سازی کنند. به تعبیری، همین اقتصاد مقاومتی را به شکل متناسب با کشورهایشان برنامه‌ریزی کنند، تحقق بخشند (پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری، بیانات ۱۹/۱۰/۹۲).

۲. نظیر تعدیل شکاف مناطق محروم و برخوردار، تعدیل شکاف فقیر و غنی، توزیع متناسب منابع، توزیع مناسب ثروت در جامعه، دستیابی جامعه به اطلاعات، دسترسی به خدمات بهداشتی، سلامت، دسترسی به امکانات آموزشی کاهش واگرایی مذهبی و دینی، افزایش همگرایی قومی نژادی، همبستگی و انسجام ملی، مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، جمعیت، حمایت اجتماعی، دسترسی به خدمات زیر بنایی، خدمات سلامت و بهداشت و درمان، سیاست‌های جمعیتی، اشتغال، مسکن، سلامت و ثبات خانواده، وضعیت سالمندان، وضعیت جوانان، تامین اجتماعی، آموزش فنی و حرفه‌ای، آموزش و پرورش، باسواد جمعیت عمومی، آموزش عالی، برخورداری از امکانات اوقات فراغت، تغذیه، بهره‌برداری بهینه از منابع، آمایش سرزمین، حفاظت از محیط زیست، ارتقای کار و بهره‌وری، شهروندی، علم‌گستری، نظم اجتماعی، امنیت فردی، امنیت عمومی، امنیت قضایی، امنیت اقتصادی، پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی